

هشدار درباره از دست رفتن زیستگاه‌های آب‌زیان در پی افت تراز آب خزر



استادیاربوم‌شناسی آب‌زیان مؤسسه تحقیقات علوم شیلاتی کشور و مرکز تحقیقات ذخایر آب‌زیان داخلی با هشدار نسبت به از دست رفتن زیستگاه‌های آب‌زیان در پی افت تراز آب خزر گفت: کاهش تراز آب خزر یکی از عوامل مهم مؤثر بر وضعیت زیستگاه‌ها و ذخایر آب‌زیان به‌ویژه در سواحل جنوبی و شرقی این دریا است. به گزارش اقتصادسرآمد از روابط عمومی سازمان محیط زیست، عبدالعظیم فاضل در حاشیه اجلاس کاپ ۷درباره پیامدهای کاهش تراز آب دریای خزر بر منابع آب‌زی، اظهار کرد: کاهش تراز آب خزر یکی از عوامل مهم مؤثر بر وضعیت زیستگاه‌ها و ذخایر آب‌زیان، به‌ویژه در سواحل جنوبی و شسرقی این دریاست، صید ماهیان در دریای خزر طی سال‌های گذشته با روندی کاهشی مواجه بوده است، این کاهش هم در مورد ماهیان استخوانی و هم ماهیان خاویاری مشاهده می شود، اگر چه در برخی سال‌ها افزایش‌هایی در میزان صید ماهیان استخوانی رخ داده،روند کلی همچنان کاهشی است،یکی از عوامل مؤثر بر این وضعیت، شرایط نامناسب رودخانه‌های منتهی به دریای خزر است چرا که بخش قابل توجهی از ماهیان دریای خزر برای تخم‌ریزی وارد رودخانه‌ها می‌شوند و پس از طی مراحل اولیه رشد، به دریا بازمی‌گردند.

وی افزود:افزایش تغییر کاربری اراضی در حوضه های آبریز، ورود حجم بالای رسوبات و تغییر کیفیت آب رودخانه‌ها، شرایط زیستگاهی مناسب برای تخم‌ریزی و رشد اولیه ماهیان را تحت تأثیر قرار داده است، برای نمونه، بر اساس مطالعات انجام‌شده در استان گلستان، رودخانه گرگان‌رود سالانه حدود ۱۰۷ میلیون تن رسوب وارد دریای خزر می‌کند که نشان‌دهنده حجم بالای بار رسوب ورودی و به این پهنه آبی است. این پژوهشگر با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای جبران کاهش ذخایر آب‌زیان گفت: سازمان شیلات طی سال‌های اخیر با تکثیر و رهاسازی گونه‌هایی مانند کپور، کلمه، ماهی سفید و گونه‌های مختلف ماهیان خاویاری، تلاش کرده است بخشی از ذخایر و سبد صید صیادان را تأمین کند. با این حال، کاهش تراز آب دریای خزر، زیستگاه‌های طبیعی و مناطق مهم تخم‌ریزی و پرورش ماهیان را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

فاضل با تمرکز بر شرایط استان گلستان توضیح داد: کاهش تراز آب در بخش شرقی دریای خزر محسوس‌تر است و حتی کاهش حدود نیم تا یک متر در تراز آب می‌تواند موجب عقب‌نشینی خط ساحلی و خشک‌شدن بخش‌هایی از زیستگاه‌های ساحلی شود، یکی از پیامدهای مهم این روند، از دست رفتن تالاب گمی‌شان است. تالابی که در گذشته یکی از مناطق مهم تخم‌ریزی و پرورش مراحل نوزادی ماهیان به ششمار می‌رفت، خشک‌شدن این زیستگاه علاوه بر تأثیر بر آب‌زیان، زمینه بروز مشکلاتی مانند افزایش گردوغبار را نیز ایجاد کرده است.

وی به وضعیت خلیج گرگان و تالاب میانکاله نیز اشاره کرد و گفت: کاهش تراز دریای خزر موجب کاهش سطح آب خلیج گرگان شده و شسوری آب در این اکوسیستم افزایش قابل توجهی پیدا کرده است، شوری آب که چند برابر شده در نتیجه، یکی دیگر از زیستگاه‌های مهم برای مراحل نوزادی و رشد ماهیان از دست رفته است.

۲۲

منشور ملل متحد

در ماده ۱۰۳ خود

تصریح می‌کند

که در صورت

تعارض میان

تعهدات ناشی

از توافق‌های

بین‌المللی و

تعهدات اعضا ذیل

منشور، تعهدات

منشوری تقدم

دارند . با این

حال، در عمل،

قدرت‌های بزرگ،

به ویژه اعضای

دائم شورای

امنیت، این اصل

را به گونه‌ای

تفسیر کرده‌اند که

گویی منشور برای

دیگران نوشته

شده و آنان فراتر

از آن ایستاده‌اند



دادگاه کیفری بین‌المللی تحت پیگرد قرار می‌گیرند،

مقامات آمریکایی که علناً دستور عدم اعطای رحم به

نیروهای ایرانی را صادر کرده‌اند، همچنان در سمت

خود باقی مانده و از هر گونه پاسخگویی می‌گریزند

. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که آنچه در سطح نظام

حقوقی بین‌المللی رخ می‌دهد، نه نقص حقوقی،

بلکه «گزینش‌گری گروهی» است؛ سازوکاری که در

آن موقعیت فرد متخلف، نه ماهیت جرم، تعیین‌کننده

پاسخ یا عدم پاسخ می‌شود.



در سال‌های اخیر، شاهد

ظهور الگویی هستتیم

که در آن کشورهای

متوسط، به ویژه در

خاورمیانه و آسیا، با

اتخاذ رویکردهایی

عمل‌گرایانه، سعی در پر

کردن خلأ قدرت ناشی

از فلج شورای امنیت

دارند. کشورهایی مانند

ترکیه، قطر، امارات،

کره جنوبی و اندونزی با

بهره‌گیری از «دیپلماسی

تخصصی» و ایجاد

اتتالاف‌های موقت و

هدف‌محور، تلاش

کرده‌اند نقش‌های فراتر

از وزن مادی خود ایفا

کنند

این گزینش‌گری ریشه در ساختار حقوقی سازمان

ملل متحد دارد. منشور ملل متحد در ماده ۱۰۳ خود

تصریح می‌کند که در صورت تعارض میان تعهدات

ناشی از توافق‌های بین‌المللی و تعهدات اعضا ذیل

منشور، تعهدات منشوری تقدم دارند . با این حال،

در عمل، قدرت‌های بزرگ، به ویژه اعضای دائم

شورای امنیت، این اصل را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند

که گویی منشور برای دیگران نوشته شده و آنان

فراتر از آن ایستاده‌اند. حقوق‌دانان بین‌المللی هشدار

می‌دهند که این وضعیت به تدریج به تضعیف اعتبار

کل نظام حقوق بین‌المللی می‌انجامد، زیرا زمانی که

قواعد حقوقی تنها برای ضعیفان اجرا شود، ماهیت

هنجاری خود را از دست می‌دهد و به ابزاری سیاسی

تنزل می‌یابد.

پیامد چنین وضعیتی، ایجاد فضایی از مصونیت است

که در آن نه تنها قدرت‌های بزرگ، بلکه قدرت‌های

متوسط نیز تصور می‌کنند می‌توانند هر اقدامی را

بدون نگرانی از پیامد انجام دهند. دبیر کل سازمان

ملل متحد در آخرین کنفرانس خبری خود، با اشاره

به شکاف ژئوپلیتیکی درون شورای امنیت، اذعان

کرد که این فلج، همراه با «الگوی بدی که قدرت‌های

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

شورای امنیت در بن بست

ژئوپلیتیک شکاف، خود کامگی ومصونیت

گروه «اتحاد برای اجماع» خواستار افزایش تعداد اعضای منتخب و کاهش وزن اعضای دائم است، در حالی که قدرت‌های بزرگ، به ویژه روسیه، و تو را نه یک امتیاز، بلکه «ابزاری ضروری برای دستیابی به توافق» در شورا می‌دانند و هر گونه محدودیت بر آن را رد می‌کنند.

روسیه در دفاع از وتو، استدلالی ارائه می‌کند که بر تجربه تاریخی و ماهیت سیاسی شورا استوار است. نماینده دائم این کشور در سازمان ملل متحد، و تو را نه مانع، بلکه «سنگ بنای» عملکرد سازمان ملل توصیف کرده و هشدار داده که بدون این سازوکار، سازمان ملل محکوم به سرنوشتی مشابه جامعه ملل بود. از این نگاه، و تو ابزاری است که قدرت‌های بزرگ را به توافق وادار می‌کند و مانع از آن می‌شود که شورا به ابزاری برای پیشبرد اهداف یک‌جانبه غرب تبدیل شود. روسیه نمونه‌لیبی را مثال می‌زند؛ جایی که عدم استفاده از و تو در قدرت، تعیین‌کننده رفتار مجاز است. یک گزارش تحلیلی در این زمینه هشدار می‌دهد که اگر پس از جنگ عراق، مسئولان آن جنگ مورد پیگرد قرار می‌گرفتند، شاید امروز شاهد تکرار فجایع مشابه نبودیم. این استدلال که بر اصل بازدارندگی استوار است، نشان می‌دهد که عدم پاسخگویی نه تنها یک نقص اخلاقی، بلکه عاملی فعال در تولید خشونت بیشتر است. در چنین سلسله‌ای، قدرت‌های متوسط نیز به تدریج می‌آموزند که می‌توانند در سایه مصونیت قدرت‌های بزرگ، خود را از قید و بندهای حقوقی رها سازند و به رفتارهای مخاطره‌آمیز روی آورند.

آدم‌کشی حقوقی، مسئله فراتر از و تو و ساختار شورای امنیت است. برخی حقوق‌دانان استدلال می‌کنند که نظام حقوق بین‌الملل فاقد یک «هنجار بنیادین» (Grundnorm) مؤثر است که بتواند سلسله‌مراتبی از قواعد الزام‌آور را ایجاد کند و سازوکارهای اجرایی را در خدمت آن قواعد قرار دهد . در غیاب چنین ساختاری، حتی قواعد آمره حقوق بین‌الملل، که انتظار می‌رود بر سایر تعهدات مقدم داشته باشند، در برابر منافع قدرت‌های بزرگ رنگ می‌بازند. نمونه بارز این وضعیت، رفتار ایالات متحده در قبال قطعه‌ام ۲۲۳۱ شورای امنیت است. این کشور که خود از بانیان قطعه‌نامه بود، نه تنها از آن خارج شد، بلکه برای اولین بار در تاریخ سازمان ملل متحد، دول قانون‌مدار و اشخاص خصوصی را به دلیل عدم نقض قطعه‌نامه شسورا مجازات کرد . چنین رفتاری نه تنها نقض آشکار منشور است، بلکه نشان‌دهنده یک تحول کیفی در روابط قدرت— حقوق است که در آن، قدرت‌های بزرگ خود را فراتر از هر گونه الزام حقوقی می‌بینند.

در سطح ساختاری، ششورای امنیت در وضعیتی گرفتار باشته که می‌توان آن را «بن بست چندلایه» نامید. لایه نخست، شکاف میان اعضای دائم است که هر گونه اجماع را دشسوار می‌سازد. لایه دوم، ناتوانی در واکنش به بحران‌های جاری است که خود ناشی از لایه نخست است. و لایه سوم، شکل‌گیری هنجارهای موازی و رویه‌های جایگزینی است که قدرت‌های بزرگ برای پیشبرد اهداف خود در خارج از چارچوب شسورا ایجاد کرده‌اند. در چنین شرایطی، اصلاحات ساختاری که سال‌هاست بر ضرورت آن تأکید می‌شود، نه تنها به دلیل مقاومت اعضای دائم، بلکه به دلیل پیچیدگی خود مسئله، عملاً متوقف مانده است. با این حال، حتی در میان حامیان اصلاحات نیز اختلافات عمیقی وجود دارد.

قاب دوربین



جناس :اصغر پیششارتی

عکس: اصغر پیشارتی